

نقد کتاب

تاریخ جهانگشای جوینی

The History of the World - Conqueror

ترجمه

John Andrew Boyle

ناشر

The University of Manchester

دو جلد ، 1958

این کتاب ترجمه کاملی است به انگلیسی از تاریخ جهانگشای جوینی که در حدود سال ۶۵۸ هجری قمری بقلم علاء الدین عطا ملک جوینی که از زمره فضلا و رجال مهم دوره مغول بوده تألیف گردیده و شامل اتفاقات تاریخی دوران مغولان و خوارزمشاهیان و اسمعیلیان میباشد. تاریخ مزبور باندک زمانی پس از تألیف شهرت زیادی بدست آورده بنحوی که بیشتر مورخین ایرانی و عرب آنرا بهترین و معتبرترین مرجع و مأخذ تاریخی دوره مذکور بشمار آورده اند. تا اوایل قرن نوزدهم کمتر کسی در اروپا اطلاعی از تاریخ جهانگشای جوینی داشت تا در سال ۱۸۲۴ میلادی بارن دسن (d'Ohsson) تاریخ دوران مغولان را برشته تحریر درآورد و تا امروز جامعترین تاریخی است که از دوران مزبور بیکی از زبانهای اروپائی نگارش یافته است. مورخ مذکور اغلب اطلاعات خود را از تاریخ جهانگشای جوینی اقتباس نموده است ولی متأسفانه نسخه‌ای که از تاریخ نامبرده در دسترس وی قرار گرفته بود چندان معتبر نبوده و نیز در آن زمان کتابخانه ملی پاریس *Bibliothèque Nationale* نسخه‌ای را که هم اکنون ترجمه آن مورد بحث میباشد و پس از تصحیح

1- C. d' Ohsson. *Histoire des Mongols depuis Tchinguiz Khan jusqu'à Timour Bey ou Tamerlan* (2nd. ed.) 4 Vols., The Hague and Amsterdam, 1884-5.

محمد قزوینی بچاپ رسیده است بدست نیاورده بود . در هر صورت پس از دسن تنها مورخی که از تاریخ جهانگشای جوینی استفاده نموده است موسوم به بارتولد (Barthold) میباشد که در تاریخ ترکستان خود جریان حمله مغول را از روی نسخه تصحیح شده علامه قزوینی مشروحاً بیان نموده است .

ترجمه مورد بحث باراً دکتر بویل (Boyle) که رئیس قسمت مطالعات فارسی در دانشگاه منچستر میباشد و نیز فرهنگ مفیدی را از فارسی - بانگلیسی تالیف نموده^۲ زیر نظر پروفیسور مینورسکی (Minorsky) انجام داده است ، و با کمک سازبان یونسکو و موافقت دانشگاه تهران طبع و نشر یافته است . پروفیسور بویل هم ترجمه خود را از روی نسخه تصحیح شده و چاپی علامه میرزا محمدخان قزوینی بر گذار کرده است . علامه قزوینی در سال ۱۹۰۶ میلادی به تصحیح تاریخ جهانگشای جوینی همت گماشت و پس از تحمل رنج و مشقت فراوان و مقابله هفت نسخه مختلف که تماماً در کتابخانه ملی پاریس محفوظ است، اثری بزرگ و نفیس در سه جلد از خود بیادگار گذاشته است . مجلد اول آن در سال ۱۹۱۱ و مجلد دوم در سال ۱۹۱۶ و مجلد سوم در سال ۱۹۳۷ میلادی در مطبعه بریبل در لندن بهمت هیئت مدیره اوقاف گیب^۳ (E.J.W. Gibb Memorial) منتشر شده است . مضافاً علامه قزوینی مقدمه بسیار سودمند و جاسعی نیز در ۱۲۸ صفحه بر مجلد اول افزوده است که ضمن آن اوضاع زمان و شرح احوال مؤلف کتاب علاء الدین عطا ملک جوینی را به تفصیل از روی آثار و مدارک قدیمه بیان کرده و سپس بحثی در باره نسخ مختلفانه جهانگشا نموده و شرحی نیز از نظر زبان شناسی بر کلمات و اصطلاحات تاریخ جهانگشا نگاشته است و در همان مجلد پروفیسور ادوارد براون خاور شناس شهیر انگلیسی نیز ترجمه خلاصه ای

1- W. Barthold. *Turkestan down to the Mongol invasion*. (GMS, New Series, V), London, 1928.

2- John Andrew Boyle. *A Practical Dictionary of the Persian Language*, Luzac & Co. Ltd., London, 1949.

۳- E.J.W. Gibb یکی از خاور شناسان انگلیسی بود که در جوانی از دنیا رفت و خانواده وی بنامش اوقافی مین نمود که از جوه آن تاکنون تعداد زیادی از کتابهای معروف و مفید عربی و فارسی و ترکی در اروپا طبع و نشر گردیده است .

از مقدمه مفید قزوینی با انگلیسی افزوده است. متأسفانه دکتر بویل مقدمه مزبور را از ترجمه انگلیسی خود حذف نموده است در صورتی که نکاتی که مصحح دانشمند علامه قزوینی گوشزد نموده است بینهایت در فهم مطالب و روشن شدن مجهولات و وقایع تاریخی کمک میکند. در دوران مغولان فن تاریخ نویسی پیشرفت شایانی نمود بطوریکه میتوان گفت بعضی از بهترین کتب تاریخی که تا کنون بزبان فارسی تدوین شده است از آن دوره است و مهمترین آنها عبارتند از تاریخ جهانگشای جوینی، جامع التواریخ رشید الدین فضل الله که در حدود سال ۷۱۰ تألیف شده و کتاب تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار معروف بتاریخ و صاف بقلم عبدالله بن فضل الله شیرازی که در حدود سال ۷۲۸ تصنیف گردیده است. علامه قزوینی در مقدمه خود مینویسد:

... تاریخ جهانگشای بر آندوی دیگر [جامع التواریخ و و صاف] زماناً (و شاید رتبه) سمت تقدم دارد ... مؤلف آن علاء الدین عطا ملک جوینی بواسطه مقامی عالی و منصبی رفیع که در دولت مغول داشته است (قریب ۱۵ سال دبیر مخصوص امیر ارغون آقا حاکم کل بلاد ایران و گرجستان و آسیای صغیر و غیرها از جانب مغول بود و پس از ورود هولاکو بایران از خواص دبیران هلاکو گردید و پس از آن از جانب هولاکو و پسرانش ابقا و نکودار معروف باحمد قریب بیست و چهار سال حاکم بغداد و کلیه عراق بود) خود بشخصه در غالب وقایع مندرجه در این کتاب حاضر و شاهد عینی بوده است ...^۱

اصولاً خاندان جوینی یکی از قدیمترین و مشهورترین خانواده های ایرانی بودند که غالب افرادش از فضلا و شاهیر عصر خود بشمار میرفتند و در زمان سلجوقیان و خوارزمشاهیان و مغولان همواره زمام مهام و مشاغل بزرگ دولتی را بکف کفایت خود داشتند بالاخص وظیفه سترگ صاحب دیوانی را عهده دار بوده اند و از اینرو بیشتر آنها به صاحب دیوان معروف شده اند. از آنجمله شمس الدین محمد صاحب دیوان و برادرش علاء الدین عطا ملک (مؤلف تاریخ جهانگشا) و پسر وی بهاء الدین را که میتوان آنها را از شخصیت های برجسته و مهم این خاندان بشمار آورد

۱- محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تاریخ جهانگشای، جلد اول، چاپ لیسن، ۱۳۲۹

نام برد . سرنوشت خاندان جوینی در تاریخ ایران بی شباهت به سرنوشت خاندان برمکیان نیست ، چه بیشتر افراد این خاندان از اهل فضل و سخاوت و دوستدار علم و هنر بودند و بسیاری از آنها مصدر کارهای مهم کشوری و دولتی گشته و عاقبت هم مانند برمکیان مورد خشم و سخط حکمرانان جبار و امیران قهار قرار گرفتند. و بسرنوشت شومی گرفتار شدند . علاء الدین عطا ملک هم از این سرنوشت مستثنی نبود ولی سالها قبل از مرگ بر اثر کثرت مشغله در رتق و فتق امور دولتی و خاصه پس از احراز مقام و حکمرانی بغداد دست از ادامه کتابت و ثبت و ضبط وقایع تاریخی کشیده بود . و این امر مورث تأسف و تأثر است که تاریخ نفیس خود را تا آنجائی که مقدور بوده برشته تحریر در نیاورده است .

جوینی تاریخ جهانگشای را در حدود سال ۶۵۸ هجری با تمام رسانید و آخرین واقعه ای را که بیان میکند عبارت از تفصیل جریان فتح قلعه الموت بوسیله هلاکوخان و قلع و قمع پیروان حسن صباح میباشد . ولی در بعضی از نسخ تاریخ جهانگشا شرحی درباره چگونگی حمله بشهر بغداد و تاراج آن بلده دیده میشود ، با احتمال قوی شرح مزبور بیش از ملحقاتی نیست که اشخاصی دیگر بر نسخ مزبور افزوده اند و واضح است که تاریخ جهانگشای جوینی با تشریح وقایع بر انداختن فرقه اسمعیلیه خاتمه مییابد چنانکه علامه محمد قزوینی در مقدمه خود این مطلب را تأیید کرده و مینویسد :

... وفي الواقع جای افسوس است که مصنف که تا سنه ۶۸۱ یعنی تا قریب مدت ۲۷ سال بعد از انقراض اسمعیلیه در حیات بوده است و خود بشخصه در فتح بغداد و غالب وقایع عظام سلطنت همولا کو و اباقا و تکودار حضور داشته است و با فضل و هنری که در شیوه کتابت و صنعت تألیف دارا بوده است و این کتاب بهترین شاهد آن است با وجود اینها وقایع این دوره طویل ۲۷ ساله را بکلی در بوته اهمال گذارده و بهیچوجه آنها را بقلم خود تقید ننموده است و علت این سکوت را جز بر استغراق تمام اوقات وی بوظایف حکومت بغداد که بلافاصله بعد از فتح بوی محول گردید و تا آخر عمر در آن منصب باقی بود چیزی دیگر ظاهر آحتمل نمیتوان نمود .

مؤلف تاریخ جهانگشای خود بدین نکته یعنی عدم فرصت کافی و ضیق وقت

برای تحقیقات و تبعات تاریخی اشاره مینماید و جملات زیر که ضمن شرح فتح خراسان آمده دلیل بر آنستکه جوینی **تاریخ جهانگشای** را در اوانی نگاشته است که زمام مهمام دولت را در کف اختیار داشت و جز اندیشه رتق و فتق امور ویرا مجالی نبوده است تا با فراغ بال و آسودگی خیال به تحریر تاریخ خود بپردازد چنانکه خود گوید:

... و اگر فارغ دلی باشد که روزگار بر تعایق و تحصیل مصروف

کند و همت او بر ضبط احوال مشغول باشد در زمانی طویل از شرح

یک ناحیت تفصی نکند و آنرا در عقد کتابت نتواند کشید تا بدان چه

رسد که از روی هوس محرر این کلمات را باز آنک طرفه العینی زمان

تحصیل میسر نیست چه مگر در اسفار بعید یک ساعتی در فرصت نزول

اختلاسی میکند و آن حکایات را سواد می نویسد.^۱

کتاب جهانگشای جوینی مشتمل بر سه جلد است: جلد اول تاریخ دودمان

چنگیز و شرح رسوم و عادات مغول و قوانین موضوعه چنگیز خان و فتوحات وی تا سلطنت

جغتای است.

جلد دوم مربوط به تاریخ خوارزمشاهیان و جلد سوم مربوط به سلطنت منکوقا آن

و حرکت هلاکوبه ایران و شرح مذهب اسمعیلیه و احوال ایشان و قلع و قمع آنان

بدست هلاکوخان است.

سبک تحریر **تاریخ جهانگشای** بنا بر گفته دکتر بویل بر خلاف **جامع التواریخ**

رشید الدین فضل الله که بسیار سهل و ساده نوشته شده است، مصنوعی و بسبک نثر

فارسی معمول زمان مغولان و تاتارها مسجع و مطمئن بوده و متن کتاب مشحون از

جملات و اشعار عربی و فارسی از مؤلف و شعرای معروف دیگر و همچنین آیاتی بشمار

از قرآن مجید میباشد، ولی با وجود این دکتر بویل، جوینی را نویسنده ای نیکو

طبع و خوش قریحه میدانند و میگویند که وی دارای فصاحت و بلاغت بود و در علم

معانی و بیان ید طولانی داشت و قادر بود که در مواقع مقتضی داستان خود را به ساده

۱- قزوینی، تاریخ جهانگشای جلد اول، ص ۱۱۸.

۲- بعضی از مورخین با این عقیده موافق نیستند من جمله مرحوم رشید یاسمی میگوید: «جهانگشا

از کتب بسیار معتبر اوایل عهد سلطه مغول است ... و انشاء آن در کمال استادی و بلاغت است.»

و جوع شود به کتاب ادوارد براون، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه رشید یاسمی، ذیل صفحه ۳۱۳.

ترین زبانی بیان کند. شیوه نگارش جوینی باسبک تحریر و صاف قابل مقایسه نیست، زیرا نوشته‌های و صاف دارای انشائی مصنوعی و نامطبوع می‌باشد و حال آنکه جوینی در لفافه عبارات مصنوعی و نقل آیات شریفه و اقوال سایر نویسندگان و گویندگان از قبیل فردوسی مقاصد خاص خود را بوجهی بیان داشته است که احساسات و غرور ملی وی از آنها بخوبی آشکار است. چنانکه از مقدمه مترجم استنباط می‌شود، با وجودی که جوینی در خدمت دولت مغولان و در زمره ملازمان خاص هلاکو خان بوده است تاریخ خود را در کمال بیطرفی نوشته و جریان حمله مغول و غارت و چپاول شهرهای آباد و معموره ایران را در کمال صداقت شرح داده است. چگونگی وضع موطن اصلی خود یعنی خراسان و لطماتی را که بآن خطه در نتیجه حمله مغول وارد آمده است با این عبارات بیان میکند: «... هر شهری و هر دیهی را چند نوبت کشتن و غارت کردند و سالها آن تشویش برداشت و هنوز تا رستخیز اگر نوالد و تناسل باشد غلبه مردم بعشر آنچ بوده است نخواهد رسید و آن اخبار از آثار اطلال و دمن توان شناخت که روزگار عمل خود بر ایوانها چگونه نگاشته است...»^۱ ضمناً در سوار زیسادی وی از عظمت و بزرگی سران مغول سخن رانده است. فی المثل چنگیز خان را نابغه‌ای نظامی پنداشته است و میگوید: «اگر اسکندر با استخراج چندان طلسمات و حل مشکلات که بدان موع بودست در روزگار او بودی از حیلت و ذکای او تعلیم گرفتی...»^۲ و همچنین انضباط و نظم لشکریان مغول را تحسین نموده و بی اعتنائی اسرای مغول را به رسوم درباری و پادشاهی میستاید. جالب تر از همه اینکه جوینی مغول را فرستاده پروردگار دانسته و معتقد است که آنان برای مجازات کسانی آمده‌اند که سر از امر و فرمان باری تعالی پیچیده و سزاوار عقوبت بوده‌اند. وی گوید:

«حدیثی است منقول از اخبار ربّی اُولئِکَ هُمُ فُرْسَانِی بَیْهَمِ اَنْتَقِمُ مِنْ عَصَانِی و در آن شک و شبهت نیست که اشارت بدین جماعت فرسان چنگیز خان بوده است...»^۳

و اما این فرستادگان خداوند فقط برای مجازات مسلمانان نبوده، بلکه دین اسلام را

۱- تاریخ جهانگشای، جلد اول، ص ۷۵.

۲- مأخذ فوق، ص ۱۶.

۳- مأخذ فوق، ص ۱۷.

بنوبه خود بسط و توسعه دادند چنانکه «بعد ششصد و اند سال تحقیق حدیث زُرَیْتُ لِي الْأَرْضُ فَأُرِيْتُ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا وَسَيَّلُ مَلِكِ أُمَّتِي مَا زُوِيَ لِي بِهَا دَرَضَمِنْ خُرُوجِ لَشْكَرِ بِيْكَانَه مَيْسَرِ شُود ... تا بدان سبب لوای اسلام افراخته تر شود و شمع دین افروخته تر و آفتاب دین محمدی سایه بر دیاری افکند که بوی اسلام مشام ایشان را معطر نگردانیده بود و آواز تکبیر و اذان سمع ایشان را ذوق نداده و جز پای ناپاک عبدة اللات والعزی خالك ایشان را بنسوده و اکنون چندان مؤمن موحد روی بدان جانب نهاده است و تا اقصای دیار مشرق رسیده و ساکن و متوطن گشته که از حد حصر واحصا تجاوز نموده است ...»^۱

در مقدمه‌ای که دکتر بویل مترجم جهانگشا بزبان انگلیسی نوشته است چنین تذکر میشود که در وهله اول تصور میشود که تناقضاتی در گفته‌های جوینی وجود دارد. از یکطرف وی از قساوت و خونخواری امرای مغول و دشمنی آنان با علوم و فنون اسلامی سخن میراند و از طرف دیگر تحسین و احترام فوق العاده‌ای برای قوانین و کردار آنها قائل شده و اعمال آنها را از اشارات آسمانی پنداشته است ولی این تناقضات را باید سطحی بشمار آورد. زیرا چنانکه دقیقاً در طرز افکار و اندیشه‌های جوینی تعمق شود، معلوم میگردد که وی نسبت به سلطنت و فرمانروائی خوارزمشاهیان کاملاً وفادار بود و بعلاوه پرورده محیط و تمدن ایرانی و اسلامی است که مغولان در انهدام و نابودی آن سعی بلیغ داشتند. با اینحال چگونه میتوان انتظار داشت چنین فردی شیفته و جانبدار حقیقی حکومت جدید مغولان گردد. دکتر بویل مینویسد:

... حکومت قدیمی منقرض و بطوری از میان رفته بود که دیگر امیدی به تجدید حیات آن نمیرفت. علیهذا ضرورت داشت تا به نحوی از انحاء موازنه‌ای بعمل آید. جوینی بدون آنکه به اعمال سیاه مغولان جلوه دهد تا آنجائیکه میسر بود با نهایت صداقت و حقیقت بنفع آنها صلاح اندیشی نمود. وی محسنات اجتماعی و نبوغ نظامی آنها را ستوده و شکست و مقهوریت مسلمانان را نتیجه عدم فضایل مزبور میدانند. وی جنگهای مغولان را علیه قراختانیان بودائی و ملاحده اسمعیلیه

بسیار ستوده و سعی نموده است ثابت کند که در احادیث اسلامی حمله مغول پیش بینی شده و از اینرو جنبه آسمانی داشته و خواست ربانی بوده است ... مع الوصف جوینی متدین بدین اسلام بود که در محیط و روزگار پیش از ظهور مغول نشو و نما یافته ولی مایل به منطبق ساختن آراء و عقاید خود با وضع دوران مغولان بوده است و باین حان مراتب معتقدات وی و آثار نفوذ محیطی که در آن نشو و نما یافته بود کاملاً آشکار و هویدا است .^۱

ترجمه تاریخ جهانگشای جوینی بنحو کامل و در نهایت دقت انجام شده است برای نمونه و مقایسه چند سطر زیر را درباره اینکه حمله مغول از اشارات آسمانی بوده است و از صفحه ۹ دیباچه جلد اول استنساخ گردیده است درج مینماید :

...Some are those who at the time of the conquest of transoxiana and khorasan were driven thither in the levy as craftsmen and keepers of animals; and many are those who—from the Farthermots West, from the two Iraqs, from Syria and the other lands of Islam—have wandered in the way of trade and commerce, visiting every region and every city, acquiring fame and seeing strange sights, and have cast away the staff of travel in those regions and decided to abide there, and have settled down; and built mansion and castles, and reared the cells of Islam over against the houses of idols, and established schools, where the learned teach

... بعضی آنست که بوقت استخلاص ماوراء النهر و خراسان باسم پیشوری و جانورداری جماعتی را بحشر بدان حدود رازده و طایفه بسیار آند که از منتهای مغرب و عراقین و شام و غیر آن از بلاد اسلام برسبیل تجارت و سیاحت طوفی کرده اند و بهر طرفی و شهری رسیده و شهرتی یافته و طرفه دیده عصای قرار آنجا انداخته اند و نیت اقامت کرده و متاهل شده و دور و تصور بنانهاده و در مقابل بیوت اصنام صوامع اسلام ساخته و مدارس افراخته و علما بتعلیم و افادات و

1— John Andrew Boyle. *The History of the World-Conquerer*. Manchester University Press. I., p. XXXV.

and instruct and the acquirers of learning profit thereby : it is as though the tradition : *Seek knowledge even in China* , related to this age and to those who live in this present era... ۲

مقتسبان علوم باستفادات اشتغال نموده گوئی اشارت از حدیث اطلبوا العلم ولو بالصین بابنای این زمانست و بطایفه که در این دور عهد موجودند ۱

مترجم محترم با چنین ترجمه‌ای از تاریخ جهانگشای جوینی خدمت بزرگی به فرهنگ و تمدن کشور ما انجام داده است . زیرا تاریخ نامبرده که یکی از مهمترین منابع و مأخذ تاریخ ایرانی است و تا کنون معدودی از مستشرقین و فارسی زبانان بآن دسترسی داشتند ، از این پس مورد استفاده عدهٔ بیشماری خواننده و علاقمند به تاریخ مشرق زمین قرار خواهد گرفت . شایسته است دانشگاه تهران و یا مرجع علمی دیگری این قبیل خدمات را تشویق و ترویج نماید و بطوریکه امروزه کتب معروف و کلاسیک اروپائی را به زبان فارسی ترجمه مینمایند ، کتابهای مهم فارسی را نیز بزبانهای اروپائی برگردانند تا علاقمندان و خوانندگان مغرب زمین بیشتر با فرهنگ و تمدن کشور باستانی ایران آشنائی پیدا کنند .

دکتر حافظ فرماهر مائیان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی